

پیشخوان

آیت‌الله حاج آقا رحیم ارباب در آیینه روایت معاشران

نظری بر سیره و کارنامه «ارباب معرفت»

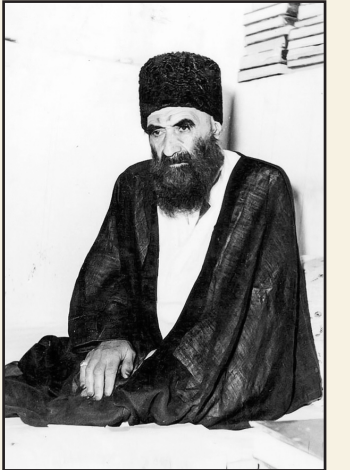
■ محمدرضا کابینتی



یادمان مورد معرفی، درصدد بازنمایی سیره علمی و عملی اندیشمند نامور، حاج آقا رحیم ارباب بود است. آن بزرگ در دوران حیات خویش، از

علمای طراز اول اصفهان و صاحب نظریات و ابتکارات فراوان دانشی بود. این مجموعه، به همت دکتر محمدامین ریاحی تدوین یافته و انتشارات جنگل جاودانه به انتشار آن پرداخته است. مؤلف در دیباچه خویش بر این اثر، در باب محتوای آن چنین آورده است:

«یکی از استوانه‌های معنوی و از مشاهیر فرهیخته دوران معاصر، علامه حاج آقا رحیم ارباب است. او که در خاندانی ادب دوست و اهل فرهنگ رشد یافته بود، به حوزه آن زمان اصفهان که در مرتب‌های بالا قرار داشت و محیطی که سرشار از صفا و بگناگی بود و نیز با استفاده از استادان مہذب و شایسته، به مرتب‌های دست یافت که در علم و عمل، شهره زمان خود شد و انصافاً گویی مثال‌زدنی و نمونه‌ای بارز از اخلاق، اندیشه و معنویت گردید. اگر چه امروزه آن فضاها کمتر وجود دارد، اما نام و شخصیت اقصای ارباب در تاریخ فرهنگ این سرزمین، جاودانه و خلل‌ناپذیر است. اصفهان که در ادوار مختلف تاریخ به ویژه در اعصار متعدد از حیث پرورش نخبگان و دانشمندان خوش درخشیده، به مثال مرحوم ارباب می‌بامت می‌کند. امروزه مزار آن عالم عامل زیارت‌گاه خاص و عام است، اما مهم‌تر از همه مسائلی است که باعث اعتلا



آیت‌الله حاج آقا رحیم ارباب

و عظمت روحی و تجلی فضایل در شخصیت او گردیده و سعی بر آن بوده که در اثر حاضر به آن پرداخته شود.

بیش از دو دهه قبل به اهتمام نگارنده این سطور، مطالبی فراهم آمده و به چاپ رسیده است، اما در این مدت نسبتاً طولانی همواره در صدد بومد تا آگاهی‌های بیشتری را یافته و آن را در اختیار عموم فرهنگ دوستان این مرز و بوم گذاشته تا شیفتگان چنین شخصیت‌هایی بتوانند بیشتر با زوایای دانش، پارسیایی و درست‌اندیشی آقای ارباب آشنا شوند. توفیقی حاصل شد که در مدت چندین ماه با فراهم آوردن اطلاعات قبلی و سامان دادن و اصلاح آنها و نیز به دست آوردن مواردی جدید، مطالب تنظیم و در اختیار علاقه‌مندان قرار دهم. این اثر در چهار بخش تدوین شده است؛ بخش اول مشتمل بر حکایات گوناگونی است که روایان آن معمولاً از شاگردان و دست‌پروردگان یا مصاحبان و علاقه‌مندان آیت‌الله ارباب بوده‌اند. بخش دوم در بر دارنده مقالاتی است که بیشتر به ویژگی‌های آقای ارباب می‌سائلن مرتبط با ایشان پرداخته است. جزء سوم اشعار مختلفی است که درباره شخصیت وی بوده که تعدادی مربوط به رحلت و رئای مرحوم ارباب و مواردی بعدها و به مناسبت یاد و گرامیداشت او سروده شده است. چهارمین یا آخرین قسمت، بخشی ضمائم یا تصاویر آن نیز در رابطه با زادگاه و محل زندگی، حضور ایشان در برخی مجالس و محافل، بعضی استادان و پاره‌ای شاگردان آن فرهیخته دوران است. در پایان مناسبت دارد از تمامی عزیزانی که در انجام این کار ما را همراه بودند، سپاسگزاری نمایم. گفته‌ها و نوشته‌های بسیاری از فرهیختگان، در تألیف کتاب و شکل دادن به اثر مؤثر بود که از درگاه حضرت احدیت برای رفتگان از آنها طلب مغفرت و آمرزش و جهت بازماندگان و حاضرین صحت و شادکامی آرزومندم…»

■ سمانه رحمانی

روایط ایران و کشور اسرائیل در دوره پهلوی دوم، از جمله موضوعاتی است که توجه بخشی از پژوهشگران تاریخ را به خود جلب کرده است. روایطی گسترده که در سطوح سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی دنبال می‌شد و در عین حال، مطلقاً بر خلاف منافع و نظر خواست ملت مسلمان ایران و رهبران دینی و ملی آن بود. در مقال پیی آمده، نگاه مختصری داشته‌ایم به بخش روایط نفتی رژیم شاه با اسرائیل. امید آنکه تاریخ‌پژوهان و عموماً علاقه‌مندان را مفید آید. ■ ■ ■

■ **رابطه حکومت شاه با اسرائیل، از چه دوره‌ای آغاز شد؟**

در سال ۱۳۲۶. ش. کشور اسرائیل به طور رسمی تأسیس شد و طبعاً به حمایت جامعه جهانی و اخذ مشروعیت از کشورها و جوامع بین‌المللی نیاز داشت. حکومت اسرائیل که در منطقه خاورمیانه نیاز به یک حامی داشت. ایران متفق بود که از همه لحاظ، این توانایی و ظرفیت را داشت. چه آنکه یهودیان از سده‌ها قبل وارد ایران شده و در این سرزمین ریشه دوانده بودند. سرزمینی که از لحاظ سوق‌الجیشی، چهارراه بین سه قاره بود و راه به آب‌های آزاد می‌برد. وجود سرزمینی پرپرکت، دارای ذخایر معدنی، نفت و مورد توجه سرمایه‌داران برای ایشان به شمار می‌رفت. از سوی دیگر، حمایت ایران از اسرائیل نیز یکی از بهترین فرصت‌ها برای ادامه حیات به ششاه می‌داد. محمدرضا پهلوی که مشروعیت و محبوبیتی در میان مردم ایران نداشت، هر لحظه بیم آن داشت که از طریق شورش داخلی، کودتا یا انقلاب حکومتش سرنگون شود. پس وجود اسرائیل با حمایت کامل امریکا، این موقعیت را برای او فراهم کرد که قدرتش را تثبیت کند. شاه در آغاز

«سحاق رابین» نخست‌وزیر اسرائیل، در سال ۱۳۵۴به تهران آمد. به محض ورود وی به هتل رامسر، تعدادی از یهودیان ایرانی و کارشناسان اسرائیلی، او را شناختند و برایش کف زدند! در نتیجه خبر مسافرت نخست‌وزیر اسرائیل به ایران، ابتدا در میان جامعه یهودیان ایران و سپس در مطبوعات بین‌المللی منتشر شد، اما دولت ایران از انتشار آن در مطبوعات داخلی جلوگیری و سعی در مخفی نگه داشتن آن کرد!



دهه ۴۰ ملاقات محمدرضا پهلوی با فرستاده دولت اسرائیل،ایلان به‌ارن

د

«بن‌گورین» نخست‌وزیر اسرائیل، «لوی اشکول» را به تهران فرستاد تا با شاه در باره افزایش صادرات نفت به کشورش مذاکره کند. او با استقبال تیمور بختیار، در مهمانسرای ساواک اقامت داشت. گذشته از این در اواخر دهه ۱۳۳۰هـ. ش. روایط اطلاعاتی – امنیتی ساواک با موساد به حدی رسیده بود که به خودی خود کمک زیادی به صادرات نفت ایران به اسرائیل می‌کرد. در آن سفر اشکول به دیدار شاه رفت و به دنبال آن صادرات نفت ایران به اسرائیل، دو برابر شد.^(۱) تلاش برای فروش نفت ایران به اسرائیل در پاییز ۱۳۳۳هـ. ش. نخستین گام جدی برای پیوند مجدد دو کشور تلقی شد. با این حال فقط در ۱۳۳۶ بود که دو کشور، برای صدور نفت ایران به اسرائیل قرارداد رسمی امضا کردند.

■ **ایران بزرگ‌ترین فروشنده نفت به اسرائیل دوره سوم:**از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ را در برمی‌گیرد.

در این مقطع روایط اقتصادی و نفتی ایران با دولت اسرائیل کاملاً رسمی می‌شود. در سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲هـ. ش. با وجود خیزش سیاسی موجود در ایران به رهبری امام‌خوین، همکاری اقتصادی بین دو کشور ایران و اسرائیل ادامه داشت و مهم‌ترین ویژگی و خصلت مناسبات اقتصادی دو کشور، مسئله نفت بود که به همراه «خط لوله نفتی»، با مهم‌ترین بخش روایط اقتصادی دو کشور را تشکیل می‌داد. در سال ۱۳۴۴هـ. ش. اسرائیل شرکتی به نام شرکت نفت «موازه آسیا» تأسیس کرد و آن را در کانادا به ثبت رساندند. اقدام، شیخ شلونت، رئیس دانشگاه‌الزهر نیز طی تلگرامی در ۵ ماه در ۴ مرداد ۱۳۳۹. این عمل را خبثت به مسلمین قلمداد کرد و از وی انتقاد کرد. شاه نیز پنج روز بعد در پاسخ به تلگرام رئیس‌الزهر اعلام کرد، شناسایی اسرائیل از سوی ایران ۱۰سال قبل صورت گرفته و اکنون فعالیت تازه‌ای نیفتاده است! در پاییز ۱۳۳۳، سلطان حسین سنندجی، دبیر دوم سفارت ایران در لندن، ضمن ملاقاتی با مردخای گازیت دبیر اول سفارت اسرائیل، پیشنهاد فروش نفت ایران به اسرائیل را مطرح کرد. گازیت بی‌درنگ موضوع را به دولت مطبوعش گزارش داد. گفت‌وگوهای پنهانی بر سر نفت، از همین سال‌ها آغاز شد و نهایتاً ایران با فروش نفت خویش به اسرائیل موافقت کرد.

پس از ملی‌شدن کانال سوئز در مرداد ۱۳۳۵ و حمله مشترک نیروهای انگلیسی، فرانسوی و ایتالیایی به مصر در ۱۷بان همان سال، همکاری نفتی بین ایران و اسرائیل گسترش یافت، زیرا کانال سوئز به عنوان گذرگاه ۲۳ درصد از کالاهای وارداتی و ۷۶درصد از نفت صادراتی ایران، بسته شده بود و ایران باید راه‌های جدیدی برای واردات و صادرات خود پیدا می‌کرد. تحریم فروش نفت شوروی به اسرائیل در پی حمله این کشور به مصر نیز نفت ایران را به صورت تنها جایگزین نفت شوروی در آورد.^(۲) بنابراین در تابستان ۱۳۳۵هـ. ش. / ۱۹۵۷م. نماینده شرکت ملی نفت ایران وارد اسرائیل شد تا با وزیر بازرگانی و صنعت اسرائیل (لوی اشکول و پن‌هاس سایپر) در باره فروش نفت مذاکره کند. اسرائیلی‌ها این شخص را در خانه امنی در حومه تل‌آویو سکونت دادند و تعداد معدودی از مقامات آن کشور با او ملاقات کردند. پس لوله مزبور نبودند.^(۳)



دیدار هم‌روز قریب با موشه‌دائید و همسرش، هنگام سفر به ایران

از چند روز مذاکره، نفت ایران به بهای بشکه‌ای ۱/۳۰ دلار به اسرائیل فروخته شد. طبیعی است که قرارداد مزبور بدون دستور شاه، هرگز امضا نمی‌شد. بن‌گورین، نخست‌وزیر اسرائیل که به شدت خوشحال بود و آن را موفقیت بزرگی برای کشورش می‌دانست، بلافاصله دستور داد لوله نفت ۱۱۸اینچی بین بندر ایلات و بئر شبع احداث شود و از آنجا نفت ایران به وسیله کامیون‌های نفتکش به پالایشگاه حیفا حمل گردد. لوله مزبور در ظرف ۱۰۰ روز ساخته شد و در دسامبر ۱۹۵۷م. شروع به کار کرد. این خط لوله در ۱۱/۶/۱۳۹۹هـ. ش. / ۲۰۰۲م. توسط مقاومت فلسطین مورد حمله موشکی قرار گرفت. به گفته منیر عزری: «در تابستان ۱۹۶۰، عیمانوئل راسین با شریک فرانسوی خود دوره به تهران آمد. او همراه من با انتظام، بهبهانیسان و چند تن دیگر از سرران بنیاد پهلوی، دیدارهایی انجام داد. سرانجام پیمانی میان وی با کمیانی نفت ایران بسته شد تا لوله‌کشی گاز در تهران آغاز گردد. پیرو این پیمان و پیدایش کمیانی تازه‌ای با نام مصرف ۵۱درصد از سهام در کمیانی نوپا از آن ایران، ۴۰درصد از آن کمیانی‌های سوپرول راسین و ۹درصد نیز به محمدعلی قطبی میانجی پیمان نامه رسیدیم…» ولی بر خلاف خط لوله ایلات اشکلون که طی ۱۰۰روز ساخته شد، خط لوله گاز تهران در دوره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در ۷۰کشیده شد. یک سال بعد نیازهای نفتی اسرائیل، به علت مهاجرت‌های دسته جمعی و پیشرفت اقتصادی افزایش یافت. لذا «بن‌گورین» نخست‌وزیر اسرائیل، «لوی اشکول» را به تهران فرستاد تا با شاه در این باره مذاکره کند. او با استقبال سپهبد تیمور بختیار، در مهمانسرای ساواک اقامت داشت. گذشته از این در اواخر دهه ۱۳۳۰هـ. ش. روایط اطلاعاتی – امنیتی ساواک با موساد به حدی رسیده بود که به خودی خود کمک زیادی به صادرات نفت ایران به اسرائیل می‌کرد.^(۴) در آن سفر اشکول به دیدار شاه رفت و به دنبال آن صادرات نفت ایران به اسرائیل، دو برابر شد.^(۵) تلاش برای فروش نفت ایران به اسرائیل در پاییز ۱۳۳۳هـ. ش. نخستین گام جدی برای پیوند مجدد دو کشور تلقی شد. با این حال فقط در ۱۳۳۶ بود که دو کشور، برای صدور نفت ایران به اسرائیل قرارداد رسمی امضا کردند.

■ **ایران بزرگ‌ترین فروشنده نفت به اسرائیل دوره سوم:**از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ را در برمی‌گیرد.

در این مقطع روایط اقتصادی و نفتی ایران با دولت اسرائیل کاملاً رسمی می‌شود. در سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲هـ. ش. با وجود خیزش سیاسی موجود در ایران به رهبری امام‌خوین، همکاری اقتصادی بین دو کشور ایران و اسرائیل ادامه داشت و مهم‌ترین ویژگی و خصلت مناسبات اقتصادی دو کشور، مسئله نفت بود که به همراه «خط لوله نفتی»، با مهم‌ترین بخش روایط اقتصادی دو کشور را تشکیل می‌داد. در سال ۱۳۴۴هـ. ش. اسرائیل شرکتی به نام شرکت نفت «موازه آسیا» تأسیس کرد و آن را در کانادا به ثبت رساندند. اقدام، شیخ شلونت، رئیس دانشگاه‌الزهر نیز طی تلگرامی در ۵ ماه در ۴ مرداد ۱۳۳۹. این عمل را خبثت با وجود فشارهای اعراب، هرگز حاضر نشد در تحریم نفتی اعراب شرکت کند و همچنان به ارسال نفت به اسرائیل ادامه داد. توسعه اقتصادی این رژیم اشغالگری تا یک‌سوی وابستگی شدید ایران به فروش نفت به منظور کسب در آمد بیشتر، در راستای اجرای برنامه‌های اصلاحات تحت عنوان انقلاب سفید از سوی دیگر هر دو کشور را بر آن داشت تا در دهه ۲۰، برای صدور و دریافت نفت بیشتر و سرمایه‌گذاری و توسعه خط لوله در اسرائیل اعلام آمادگی کنند. به موجب توافق طرفین برای ایجاد یک شرکت نفتی در تهران و تل‌آویو، در هر دو شهر برای آن شعبه‌هایی تعیین شد. پس از جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۳۴۶هـ. ش. ۱۹۶۷م. خط لوله‌ای به طول ۲۶۰کیلومتر از بندر ایلات در کنار دریای سرخ و بندر اشکلون در ساحل مدیترانه کشیده شد. مخارج آن را دولت ایران پرداخت که از این طریق نفت ایران به اروپا و به ویژه ایتالیا و رومانی ارسال شد. در سال ۱۳۴۰هـ. ش. طی ملاقات «آیا بان» که شاه در تهران، با تقاضای اسرائیل مبنی بر افزایش میزان نفتی که ایران به اسرائیل می‌فروخت، موافقت شد.^(۶) مقامات ایران با نگرانی از واکنش‌های کشورهای غربی و جهان اسلام، سعی در سرری نگه‌داشتن سرمایه‌گذاری در خط لوله ایلات– اشکلون داشتند و در این مورد با اسرائیلی‌ها به توافق رسیده بودند که این نگر از کل کمیانی‌ها و بانک‌های امریکا به تهران آمدند که «یوید ایلیمان» و «دیوید راکفر» دو یهودی صهیونیست، در رأس آنان بودند.^(۷) از اوایل دهه ۱۳۵۰هـ. ش. به بعد ایران از بزرگ‌ترین فروشندهگان نفت به اسرائیل شد تا روایط تجاری طرفین بیش از پیش به صورت پایاپای صورت گیرد. اسدالله علم در خاطرات خود موافقت شاه را در موضوع صادرات نفت ایران به اسرائیل بیان می‌کند.^(۸) در معاملات و

قراردادهای نفتی که یهودیان اسرائیل با ایران می‌بستند، افراد وابسته به دربار هم تلاش زیادی برای پیشبرد اهداف اسرائیل انجام می‌دادند. منیر عزری درباره این موضوع می‌گوید: «در ۲۵ فوریه ۱۹۶۹، کمیانی تازه‌ای با نام ترانس آسیاتیک، برای همکاری‌های دوسویه تأسیس گردید که در پی آن سرران نفت ایران مانند دکتر منوچهر اقبال، دکتر پرویز مینا، رضا فلاح و فتح‌الله نفیسی در آن حضور داشتند. مقامات ایران مایل بودند تا ارتباط نفتی میان ایران و اسرائیل آشکار نگردند…» البته در این مورد افشاگری‌های بسیاری توسط مطبوعات ایرانی و اسرائیلی انجام می‌شد که هر دو دولت جلوی این افشاگری‌ها را می‌گرفتند. صادرات نفتی ایران از بندر خارک به بندر ایلات به حدی زیاد بود که از بندر اشکلون به بازار کشورهای پیرامون مدیترانه می‌رفت. این روند هر روز گسترده‌تر می‌شد تا جایی که در ماه می ۱۹۷۰ / ۱۶اسفند ۱۳۴۸، روبرت دوروچیلد فرزندالن دوروچیلد، از پایانه خارک دیدن کرد و با تاکر «پاتری» به بندر ایلات بازگشت. بعد از مرگ جمال عبدالناصر، روابط ایران با مصر دوستانه شد و نوسانات در تلاش بود که ایران نفت خود را از راه مصر و توسط یک خط لوله نفتی جدید به اروپا صادر کند، پس در این صورت خط لوله ایلات– اشکلون عملاً از کار می‌افتاد. در این زمان طبق مشاهدات، دولت اسرائیل با درخواست اسرائیل و جاه‌های نفتی ایورودیس را به مصر برگرداند، صدور نفت ایران به اسرائیل افزایش یافت و حتی در سال ۱۹۷۵م. / ۱۳۵۴هـ. ش. حکومت ایران متعهد شد تا تمامی احتیاجات نفتی اسرائیل را تأمین کند و این تضمین دولت ایران، خود جزئی از معاهده سسری میان مصر و اسرائیل بود که «هنری کیسینجر» وزیر خارجه وقت امریکا، مذاکرات مربوط به آن را به عهده داشت.^(۹)

■ **شاه و هویدا، منکر صدور نفت به اسرائیل** محمدرضا پهلوی و امیرعباس هویدا همیشه در مصاحبه‌های خود، منکر ارسال نفت به اسرائیل می‌شدند و ادعای می‌کردند که کنسرسیونم به اسرائیل نفت می‌فروشد و حتی پس از قرارداد نفتی ۱۹۷۳م. شاه مدعی شد هنگامی که نفتکش‌ها بنادر ایران را ترک می‌کنند، ایران از مقصد نهایی آنها بی‌خبر است! «سحاق رابین» نخست‌وزیر اسرائیل، در سال ۱۳۵۴هـ. ش. / ۱۹۷۶م. به تهران آمد. به محض ورود نخست‌وزیر اسرائیل به هتل رامسر، تعدادی از یهودیان ایرانی و کارشناسان اسرائیلی – که در طرح‌های مختلف کار می‌کردند و برای گذراندن تعطیلات به رامسر رفته بودند- او را شناساختند و برایش کف زدند!

در نتیجه خبر مسافرت نخست‌وزیر اسرائیل به ایران، ابتدا در میان جامعه یهودیان ایران و سپس در مطبوعات بین‌المللی منتشر شد، اما دولت ایران از انتشار آن در مطبوعات داخلی جلوگیری کرد. در این ملاقات شاه به رابین اطمینان داده بود که نفت ایران کماکان به اسرائیل صادر می‌شود و جای نگرانی نیست. در این دوران ایران به برکت چهار برابر شدن بهای نفت، به یک‌باره ثروتمند شده بود. و قهه انقلاب نفت ایران به اسرائیل، بدون وقفه تا انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹م. / ۱۳۵۷هـ. ش. ادامه یافت.^(۱۰) نتیجتاً می‌توان گفت که از تباط ششاه با اسرائیل تا قبل از کودتای ۲۸مرداد ۱۳۳۲هـ. ش. به صورت کاملاً محرمانه بود، ولی بعد از کودتا با وجود اعتراضات شدید دنیای اسلام، مراجع تقلید و مردم ضداستعمار ایران، پهلوی دوم دولتی بهایی و حامی اسرائیل با نخست‌وزیری هویدا ابر سر کار آورد و ارتباط خود را با این کشور، هر روز بیشتر ساخت تا اینکه این استبداد و وابستگی به غرب، علاوه بر اهمیت ندادن به خواست تاریخی ملت ایران، باعث شد که مردم به رهبری امام‌خمنی، خواستار سرنگونی حکومت پهلوی و قطع روابط با استعمار شرق، غرب و اسرائیل شوند. انقلابی که چند ماه بعد از پیروزی خویش، با رأی مردم موجب استقرار حکومت اسلامی شد و بدین وسیله پای‌دهی کشور در بخش نفت به امریکا و اسرائیل به اتمام رسید.

■ **پی‌نوشت‌ها:**

- ۱- علی‌عزری، *اندیشه*، ص ۳۹.
- ۲- همان، صص ۱۳۲–۱۳۱.
- ۳- علی‌فلاح‌نژاد، *مناسبات ایران و اسرائیل* در دوره پهلوی دوم، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۲۷.
- ۴- علیرضا آغندی، *روایط خارجی ایران – دولت دست نشاندہ*، ۱۳۲۰– ۱۳۵۷، قومس، تهران، ۱۳۷۶، ص ۴۱۱.
- ۵- علی‌فلاح‌نژاد، *مناسبات ایران و اسرائیل* در دوره پهلوی دوم، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۱، ص ۲۱۵.
- ۶- اسدالله لاجوسوی امریکا، ج ۱۲، ص ۳۶، ص ۰۰۸هـ. تهران، نشر بزرگ‌اندیشه.
- ۷- علیرضا هبیری، *عوامل شکل‌گیری رفتار سیاسی ایران در قبال اسرائیل*، قم، زمستان ۱۳۷۷ و ۱۵۴، فصلنامه انقلاب اسلامی، معاونت امور اساتید نهاد نمایندگی در دانشگاه‌ها، سال اول، پیش‌شماره اول.
- ۸- آرش تابع، *مجموعه مقالات و تحقیقات در مورد نفوذ صهیونیسم*، ص ۳۵۹، گزارش آریست برون امریکایی از دربار شاه.
- ۹- گفت‌وگوهایی من با شاه، *خاطرات مجرمانه امیراسلامه علم*، تهران، طرح نو، ج ۱، ۱۳۷۱، ص ۷۰۷.
- ۱۰- رضا اراز، *ارتباط ناشناخته، بررسی روابط ایران و اسرائیل ۱۳۲۷– ۱۳۵۷* تهران مؤسسه مطلاعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴، ص ۲۷.
- ۱۱- فخر روحانی، *اهرم‌ها – سقوط شاه و پیروزی انقلاب اسلامی صفات و عملکردهای شاه*، تهران، بلغی، ۱۳۷۰، ج ۱، صص ۱۹۳–۱۹۲.